مردم سالاری | یکشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۰ - ۲۸ جمادی‌الاولی ۱۴۴۳ - ۲ ژانویه ۲۰۲۲ - سال بیست‌ویکم - شماره ۵۶۱۹

یادداشت

تأثیر گران شدن خودرو بر زندگی مردم

ابوالقاسم کواکبیان

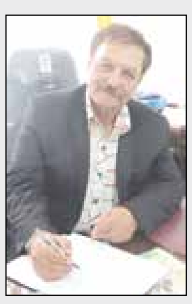

بی‌تردید گران‌شدن هر کالایی در کشور تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر قیمت کالاهای دیگر دارد. افزایش ۱۸درصدی قیمت خودرو در ماه گذشته، آن هم در زمان دولتی که به مردم وعدهٔ ثبات بازار و حتی ارزان‌شدن کالاها را داده بود، موجب شد مجدداً تنها در طی چند روز همهٔ کالاهای مصرفی گران شوند واین در حالی بود که رئیس‌جمهور دستور داده بود قیمت خودرو تغییر نکند؛ ولی ظاهراً گوش دو شرکت خودروساز کشور که به‌صورت کاملاً انحصاری کل تولیدات خودروی کشور را در قلمروی خویش دارند، بدهکاراین سخنان نبوده است.اینان توانستند در دولت سیزدهم صدور حکم افزایش قیمت تولیدات خود را محقق کنند و بهانهٔ آنان نیزاین بود که به‌جای‌اینکه دراین‌میان عده‌ای واسطه ازاین بازار آشفته سود ببرند، بهتر است خودروسازان، خودشان هرازگاهی تولیدات خود را گران کنند.این درحالی بود که وعده داده بودند با فروش فوق‌العاده و افزایش تیراژ، بر بازار تأثیر مثبت بگذارند تا مقدمات کاهش قیمت خودرو فراهم شود.

بدیهی است نه‌تنهااین وعده محقق نشد، بلکه موجب افزایش قیمت شد و بالتبع به‌موازات آن، لوازم یدکی اتومبیل هم گران شد؛ به‌طوری‌که هم‌اکنون کسانی که توان خرید اتومبیل جدید را ندارند، مجبورند بخش مهمی‌از درآمد نداشتهٔ خود را صرف خرید لوازم یدکی کنند تا همان اتومبیل زهواردررفته‌شان را سرپا نگهدارند که البته به آلودگی هوا نیز دامن خواهند زد. به‌هرحال شاید در سال ۱۳۴۶ یعنی آن زمانی که گروه خودروسازی‌ایران‌خودرو پیکان سواری را با قیمت ۱۴هزار تومان به بازار عرضه کرد و مدیران وقت به مردم وعده دادند و گفتند به امید آن روزی که هرایرانی صاحب یک پیکان شود، کسی باور نمی‌کرد که امروز باید همان پیکانِ تغییرشکل‌یافته را در قالب پژو یا سمند، به‌طور میانگین حدود ۲۵هزار برابرِ یعنی ۳۰۰میلیون تومان بخرند. از آن سو چه کسی باور می‌کرد شرکت دیگر سازندهٔ اتومبیل، سایپا که در سال ۱۳۵۳ اتومبیل تولیدی خود یعنی ژیان دولوکس را ۱۲هزار تومان به فروش می‌رساند، امروز یک پراید را با قیمت ۱۷۰میلیون تومان وارد بازار کند و چه کسی تصور می‌کرداین تحفهٔ ساخت شرکت‌ایرانی و تولید داخلی در طی کمتر از یک سال ۱۰۰میلیون تومان گران شود؟!

مخلص کلام‌اینکه خودروسازان به‌جای ارتقاء سطح کار خود و افزایش کیفیت تولیدات خود و رقابت با اتومبیل‌های تولید خارج از کشور و نیز به‌جای افزایش بهره‌وری، با ترفندهای خاصی دست در جیب مردم می‌کنند تا به‌راحتی طی یک سال کم‌کیفیت‌ترین تولید خود را صدمیلیون تومان گران‌تر کنند و مردم هم مجبورند بااین افزایش نرخ کنار بیایند؛ لذا هم‌اکنون مردم کم‌درآمد که توان خرید اتومبیل‌های چندصدمیلیون‌تومانی یا چندمیلیاردتومانی را ندارند، مجبورند همین پراید معمولی را که پروندهٔ آدم‌کشی آن سنگین است، با قیمت ۱۷۰میلیون تومان بخرند. به‌راستی چرا دولت جدید قادر نبود حریف‌این خودروسازان شود و اجازه ندهد تولیدات خود را گران کنند؟! اکنون طوری شده که بر اسب مراد سوار شده‌اند و تولیدات بنجل خود را بدون هیچ‌گونه رقابتی خارجی به فروش می‌رسانند و از آن سو صداوسیمای ما به‌طور مستمر مردم را به استفاده از کالاهای‌ایرانی تشویق می‌کند. آیا به‌راستی اتومبیل وطنی پراید ما بااین قیمت گزاف، در برابر اتومبیل‌های خارجی لوکسی چون بنز، بی‌ام‌دبلیو، پورشه و مازاراتی حرفی برای گفتن دارد؟! آیا به‌راستی هم‌اکنون آن درصد زیادی از مردم ما که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، می‌توانند همین اتومبیل پراید را که در سال‌های نه‌چندان‌دور پنج یا شش میلیون تومان بوده، برای خانوادهٔ خود بخرند؟

دراینجا نگارنده از دولت به‌ویژه از مردان اقتصادی و نمایندگان مجلس درخواست دارد به وعده‌هایی که زمان انتخابات به مردم داده‌اند، پایبند باشند. در حال حاضر که هنوز افزایش حقوق حقوق‌بگیران مشخص نیست و مجلس آن را تصویب نکرده و رئیس برنامه و بودجه دلیل گرانی و تورم را افزایش حقوق می‌داند، چگونه است که قبل از هرچیزی قیمت اتومبیل ۱۸درصد گران می‌شود؟!این گرانی به‌طور قطع و یقین متوجه مردم کم‌درآمد خواهد شد؛ برای مثال اگر خانواده‌ای کم‌درآمد عطای داشتن اتومبیل را به لقای آن ببخشد، حتماً باید برای‌ایاب‌وذهاب خود و فرزندانش مبلغ بیشتری بپردازد و فشار اقتصادی‌این‌چنینی بر خانواده‌های کم‌درآمد که نه با آیین کشورداری منطبق است و نه با عدل و عدالت هم‌خوانی دارد، به صلاح دولت و مردم نخواهد بود.

دراینجا نگارنده از همهٔ دست‌اندرکاران و دولتمردان تقاضا دارد فقط در فکر تنظیم بازار، آن هم در سطح یک سوپرمارکت یا یک مغازهٔ بقالی نباشید؛ اگر دراین کشور ارزش پول ملی را در مقابل پول خارجی بالا ببرید، قیمت طلا و فلزات قیمتی را تنزل دهید، نظارت بیشتر و بهتری بر بنگاه‌های اقتصادی دولتی و نیمه‌دولتی به‌ویژه شرکت‌های خودروساز، بانک‌ها و صادرات و واردات داشته باشید، شک نکنید مردم با شما همراه خواهند بود؛ ولی شما ظاهراً زورتان به قشر کم‌درآمد رسیده و فکر می‌کنید یا وانمود می‌کنید با افزایش حقوق تورم‌ایجاد می‌شود. بدیهی است همهٔ حقوق‌بگیران حاضرند ریالی به حقوقشان اضافه نشود ولی در عوض قیمت سکه و دلار و خودرو و دیگر اقلام دولتی و شبه‌دولتی به بهای یک سال قبل برگردد. بدیهی است که فقط ارز ترجیحی نیست که رانت‌ایجاد می‌کند، بلکه افزایش قیمت‌ها، آن هم توسط بنگاه‌های اقتصادی معظم نیز موجب رانت و گرانی خواهد شد

خبر

یک‌هزار و ۴۹۸ نفر از ابتدای شیوع کرونا در استان سمنان جان باختند

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان سمنان گفت: یکهزار و ۴۹۸ نفر از ابتدای شیوع کرونا تاکنون در مناطق تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی استان به دلیل کرونا جان باختند. کامران قدس در نشست خبری با خبرنگاران افزود: اکنون ۵۴ نفر مبتلا به کرونا در مراکز درمانی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان بستری هستند و از ابتدای شیوع کرونا تاکنون ۱۸ هزار و ۸۴۳ نفر در بیمارستان به دلیل ابتلا به کرونا بستری شدند. قدس تاکید کرد: واکسن عامل مانع ابتلا به کرونا نیست بلکه صرفا با افزایش مقاومت بدن شدت بیماری را کاهش داده و موجب کاهش مرگ و میر می‌شود و همچنان برای حفظ سلامت در کنار تزریق واکسن، رعایت نکات بهداشتی مانند استفاده از ماسک و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی ضروری است. وی یادآور شد: ۶۸۲ هزار و ۹۴۸ دز واکسن کرونا در مناطق تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان تزریق شده است. وی با بیان‌اینکه افراد زیر ۱۲ سال برای کرونا واکسینه نمی‌شوند، افزود: ۹۲ درصد جمعیت بین ۱۲ تا ۱۸ سال تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان دز اول واکسن و ۷۴ درصد دز دوم تزریق کردند. قدس خاطرنشان کرد: ۹۲ درصد جمعیت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان دز اول و ۸۲ درصد دز دوم و ۳۶ درصد دز سوم واکسن علیه ویروس کرونا تزریق کردند.

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان سمنان اضافه کرد: افراد بالای ۱۸ سال بعد از گذشت سه ماه از تزریق دز دوم واکسن، می‌توانند برای دریافت نوبت سوم واکسن کرونا به مراکز تجمیعی مراجعه کنند.

وی تصریح کرد: کشور در زمینه واکسیناسیون علیه ویروس کرونا نسبت به کشورهای اطراف و در آسیا عملکرد خوبی داشته است.

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان سمنان تصریح کرد: امیکرون سرعت ابتلای انفجاری دارد و تزریق واکسن و رعایت نکات بهداشتی راهکار مقابله است و اکنون ۱۱۰ کشور آلوده به سویه امیکرون است. وی تاکید کرد: هرگونه سرماخوردگی، گلودرد، آبریزش بینی، گلودرد، تب و حالت تهوع که به سرعت کمتر از سه ساعت بین اعضای خانواده سرایت کند قطعا امیکرون است. قدس گفت: به گفته متخصصان سازمان بهداشت جهانی زمانی‌ایمنی همگانی علیه ویروس کرونا در جهان شکل می‌گیرد که ۸۵ درصد جمعیت جهان واکسینه شوند و اکنون کمتر از ۶۰ درصد است.

وی یادآور شد: ۷۰ خانه بهداشت و ۶ شبکه بهداشت در مناطق تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان فعال است.

ششم دی ماه روزی به وسعت استان سمنان

علیرضا عربی

در کنار جشن‌های ملی و دینی که باکارکردهای اجتماعی، سیاسی و مذهبی و بمنظورایجاد همبستگی و وحدت‌ایجاد شده است، همه ی ما دارای مراسم و جشن‌های شخصی و خانوادگی هستیم، از روز تولد تا سالگرد ازدواج. ولی چنین مراسمی‌درحد شهر و منطقه در بسیاری از نقاط چون حلقه‌ای میان دو سطح خرد و کلان مناسبت‌هاست که مغفول مانده است و می‌بایست بدان توجه نمود.

بزرگداشت مناسبت‌ها یعنی شناخت و درک آنچه در زندگی ما موثر بوده, یعنی قدرشناسی از آنچه داریم و به دست آورده‌ایم، یعنی تمرین عملی شاکر بودن.

ازاین رو سنت نیاکان ما که در هر ماه از سال جشنی برپا می‌نمودند برای سایر ملل آموزه‌ای شده است برای با هم بودن و اجرای نمایشی و برنامه‌ای که گاه مخاطبینی از سراسر جهان دارد.

بی شک هر یک از ما با یک تبریک ساده در مناسبت‌ها، دوستی‌ها را زنده و با هم بودن را یادآور می‌شویم.

حجم زیاد پیامک‌های تبریک و تهنیت، نشان از حس خوب با هم بودن دارد. اما روز سمنان پیش از آنکه در تقویم ملی ثبت گردیده و برای آیندگان به ارمغان بماند، می‌بایست در یاد و خاطره مردم ماندگار گردد.

ششم دیماه روزی است که سمنان به عنوان استانی مستقل نامگذاری گردید و با هم بودن مردمان‌این خطه را رسما گوشزد نمود که حیات سیاسی, اجتماعی و اقتصادی آنها به هم وابسته است و توفیق، تنها در سایه همدلی و هماهنگی بدست خواهد آمد.

بدون ثبت یک روز مشخص، تداوم و استمرار هر برنامه فرهنگی و هنری محقق نخواهد شد.

روز سمنان رویدادی فراتر از یک اتفاق فرهنگی و هنری بوده، بلکه تمامی‌ابعاد شهر و منطقه را در بر می‌گیرد.

تلاش برای پذیرش مردمی‌و معرفی آن به شهروندان، عدم نیاز به اعتبارات دولتی را به دنبال دارد. بی شک هفته فرهنگی سمنان با محوریت‌این روز منجر به شناخت توانمندیهای شهر و مردم شده و راه را برای فعالیت‌های هرساله مردمی‌باز خواهد کرد.

امید است هر سال بر دامنه فعالیت‌های فرهنگی و هنری و میزان آن افزوده گردد و نتایج و فواید معنوی و مادی آن نصیب شهر و شهروندان گردد.

به بهانه فرا رسیدن ششم دی ماه روز سمنان به سراغ فریبرز یدالهی مدرس دانشگاه و مولف رفتیم و با وی به گفتگو نشستیم.

علت نامگذاری‌این روز به نام سمنان چیست؟

ششم دی ماه روزیست که سمنان به عنوان استانی مستقل در سپهر سیاسی‌ایران مطرح گردید و نام سمنان به بیش از ۹۷ هزارکیلومتر مربع ازایران عزیز اطلاق گردید. در بسیاری از کشورها روز استقلال و یا تغییر نظام سیاسی به عنوان روز ملی مطرح و مورد توجه قرار می‌گیرد و اهمیت آن به اطلاع عموم و نسل‌های بعدی رسانده می‌شود. در تقویم ملی روزهایی به کارگر ، پرستار ، کارمند و... تعلق یافته لذا می‌تواند یک روز هم به شهر و استان تعلق یابد. باید توجه داشت که بیش از هزار شهر در سطح کشور داشته و ۳۶۵ روز در یک سال، لذا به نظر می‌رسد روزی که قابلیت استانی شدن داشته باشد روزی بهتر و شایسته تر می‌باشد. همانگونه که مازندران روز مازندران را به جشن می‌نشیند، حال که فرصتی برای ثبت یک روز برای مراکز استانها پدید آمده، چه خوب است‌این روز را با همه مردم استان سهیم شویم و پیام آور اتحاد و همدلی گردیم.

شهر و استان سمنان با گذشته پربار و درخشان خود روزها و اتفاقات بسیاری مهمی‌را به خود دیده که هریک می‌تواند در تقویم فرهنگی شهر و استان مورد توجه قرار گیرد و کثرت‌این‌ایام بیانگر گذشته ارزشمندی است که باید در قاب خاطرات مردم شهر حفظ گردد.

ولی روز شهر روزیست که به همه مردم تعلق دارد و تمام ابعاد سیاسی- اجتماعی، فرهنگی، کالبدی شهر را در بر می‌گیرد. روزهایی ماندگار می‌شوند که منشا تغییر و تحول بوده و اتفاقی مهم در آن رخ داده باشد و ارزش یادآوری و ارج گزاری داشته باشند. یک روز را با شعار و پیامی‌که دارد، می‌توان شناخت. روزهای بسیاری پیشنهاد شده ولی هیچکدام کلیت نام شهر را نداشته، انقباضی بوده و به ظن من حتی شهر را تحقیر نموده است. پیشنهادات یا تاریخ مشخصی نداشته و یا بخشی از شهر رامعرفی و کلیت لازم را نداشته است. بهرحال‌این انتخاب مورد ارزیابی مردمان امروز و آینده قرار می‌گیرد و بیانگر آن است که چگونه می‌اندیشیم و چه اهداف و برنامه‌ای داریم.

دلیل اختلاف برخی از گروه‌های مردم نهاد برای نامگذاری سی دی بنام سمنان چیست؟

وقتی دوم اسفندماه به عنوان روز جهانی زبان مادری مطرح است دیگر مطرح نمودن روز ثبت زبان سمنانی موضوعیتی ندارد. بهترآن است که همگام با دنیا پیش رفت. اهمیت منطقه سمنان به‌این است که گویشها و زبانهای مختلف در کنارهم شکل گرفته واین اقوام در کنارهم قرن‌ها زیسته اند. در دیار دارالمرحمه تکثر اقوام و فرهنگها نمودی از فرهنگ همزیستی و نگرش صلح آمیزایرانی دارد و در شرایط کنونی پیامی‌در سطح جهانی را مطرح خواهد نمود که‌ایرانیان به گفتگوی تمدنها الزام عملی دارند و پیام آور همزیستی مسالمت آمیز هستند. لذا طرح روز ثبت زبان سمنانی جز کوچک کردن سمنان، جداسازی و دور کردن دیگران و ساکنان پیرامون آن نتیجه‌ای نداشته و امکان ارائه توانمندیهای شهر و منطقه را عقیم می‌گذارد. برای شناساندن خود و شهر باید از تمام توانمندیهای شهر و منطقه استفاده کرد. باید معنای دیار مرحمت را بار دیگر تداعی نموده و سمنان شهری برای همه را نمایان نماییم. ششم دیماه با پیام وحدت و همدلی تمامی‌مردمان استان را ترغیب به تلاش و همدلی نموده تا در استانی که نزدیک به هشتصد هزار نفر جمعیت دارد تنها باهم بودن کلید طلایی موفقیت است. من یقین دارم مردم آگاه سمنان در روز سمنان علاقمند به جذب همه مردمان پیرامون هستند. بهرحال هم‌اینک مردمانی از سرخه، مهدیشهر، شهمیرزاد، بیابانک، لاسجرد و... در سمنان زندگی می‌کنند که گویش و زبان خود را داشته و خود را سمنانی می‌دانند لذا تکیه بر زبان در جزیره لهجه‌ها و گویشها یعنی تاکید بر جدایی که شایسته مرکز استان نیست. بیاید پرسید مگر در گیلان، مازندران، تبریز و قزوین تکلم به زبان محلی وجود ندارد چرا روزاین شهرها به زبان و گویش اختصاص نیافته است؟ شهر پیش از هر چیز یک مکان است و یک مختصات جغرافیایی وشاخصه شهر، تکثر و حضور خرده فرهنگهاست.

چرا یک تعامل و توافق دراین زمینه صورت نمی‌گیرد؟

برخی شاید اهمیت وحدت و همدلی را نمی‌دانند و منافعی در تضاد با دیگران دارند. شاید هم به ابعاد روز سمنان پی نبرده و نگاهی تک بعدی دارند. اگر به خود زحمت دهند و نگاهی به سایر شهرها که روزی را به خود اختصاص دادهاند بیندازند دست از لجاجت برمیدارند. روز رشت روزی است که بعنوان مرکز استان گیلان انتخاب شده است. روز قزوین روزی است که به پایتختی‌ایران در عهد صفوی برگزیده شده است. روز تهران روزی است که آقامحمدخان قاجار بعد از کشتار در بم و کرمان پایتخت را از شیراز به تهران منتقل کرد. همین سه نمونه برای اهل تفکر به نظرم کفایت می‌کند. بعید می‌دانم هیچ شهری روز ثبت اثری را روز شهر خود انتخاب کرده باشد. پیشنهاد ثبت هریک از آثار ملموس و ناملموس را ناشی از تنبلی ذهن پیشنهاد دهنده می‌دانم. نوروز در ۴ اسفند ثبت جهانی شده ولی ۴ اسفند را جشن نمی‌گیریم. چون نوروز زنده و جاوید بوده و ازاین ثبت‌ها مستغنی است چرا که ثبت یک اثر یک تاریخ دبیرخانه‌ایست و قبل و بعد آن تاثیری بر زیست مردمان ندارد. در شهرستان سمنان بیش از صد اثر ثبت شده داریم و در استان سمنان بیش از هشتصد اثر حال باید پرسید روز ششم دیماه قابل قیاس با روز ثبت گولاچ و نان پیازی هست؟ باید پرسید چرا روز ثبت مسجد جامع را پیشنهاد نمی‌دهند؟ نشان شهر در دوره اسلامی‌مسجد جامع است یعنی سابقه شهر نشینی-شهرنشینی با سکونت تفاوت دارد- سمنان به هزار سال قبل می‌رسد و نشان و سند آن مسجد جامع است. ولی به‌این مهم کسی توجه ندارد؟ چرا؟ چون اداره کل میراث فرهنگی‌این مهم را به انجام رسانده واین سربازان گمنان فرهنگ و تاریخ ادعایی ندارند. اما برخی روزها مدعیانی دارد که می‌کوشند تا ازاین نمد برای خود کلاهی بدوزد.

نامگذاری روزی بنام سمنان چه تاثیری را در شناخت‌این شهر دارد؟

در کنار مناسبتهای شخص، مذهبی و ملی نیاز به روزهایی داریم که به شهر منطقه تعلق یابد. تلاش زیادی برای جشنواره گل نرگس، ونگون و.. انجام شد ولی چون به یک روز خاص مرتبط نبود نتوانست جایگاه لازم را به دست بیاورد. باید دانست که امروز سمنان، یک استان است وقتی به‌این نکته توجه نمودیم از تمام توان استان استفاده نموده و شرایط برای توسعه و معرفی کل استان راایجاد نموده و منطبق با جایگاه مرکز استان خود را معرفی می‌نماییم.

چه ویژگی‌هایی دراین روز، برجسته می‌شود تا در جهت جذب توریست موفق باشیم؟

یکی از اهداف روز شهر جذب گردشگر بوده ولی برای روز شهر اهدافی دیگری هم از جمله‌ایجاد وفاق و همبستگی، آشنایی با گذشته و پیشینه، تقویت حس هویت و به تبع آن مشارکت مردم که منجر به همگرایی و نشاط بیشتر اجتماعی شده و موجب توسعه شهر و منطقه می‌گردد نیز وجود دارد که مراتب دارای اهمیت بیشتر است. شهر پیش از جذب گردشگر باید ابتدا برای ساکنین خود شرایط مطلوب و رضایت بخش را فراهم آورد . در صورت تقویت حس دلبستگی ساکنان، بطور خودجوش شرایط رشد و ارتقای آن فراهم خواهد شد. از صنایع دستی تا تولیدات صنعتی استان می‌تواند معرفی گردد. جشنواره‌های هنری و ورزشی می‌تواند دراین روز متمرکز شود. روسو می‌گوید جامعه موفق جامعه‌ای است که در ذهن شهروندانش امور عمومی‌مهمتر از امورخصوصی باشد لذا ازاین روست که ششم دیماه را روز محک نامیده‌ایم. دراین روز نشان می‌دهیم که در کجای کارایستاده‌ایم.

چرا تاکنون در شناسایی سمنان ناموفق بودیم و زین پس باید چه کنیم؟

برای جذب گردشگر باید از انزوا و تکروی بیرون آمد نگاهی توسعه‌ای و بلند داشت. وقتی در انتخاب روز شهر گزینه‌های حقیر مطرح می‌شود که شهر را جدا و منزوی می‌کند و از حس تعلق ساکنان آن می‌کاهد و به اهمیت جامعه متکثر غافل می‌ماند و با تاکید بر یکی از زبانهای منطقه از پیشینه تاریخی آن غفلت می‌گردد و ظرفیت‌های دیار دارالمرحمه فراموش می‌گردد لذا آنان که شهر را برای دیگران تنگ می‌بینند چگونه می‌توان انتظار پذیرش غیر و دیگری را دراین جامعه و منطقه داشته باشیم. گردشگر به جایی می‌رود که فرهنگی پذیرا داشته باشد. همانگونه که پیشینیان ما که در مسیر راه ابریشم قرار گرفته بودند جامعه‌ای متکثر ار پدید آوردند که امروز به عنوان جزیره زبانها و گویشها نام گرفته است.

امروز شهرهای خلاق سعی در جذب افراد خلاق دارند تا باایده‌ها و نگاه‌های نو رشد و تعالی را برای شهر به ارمغان بیاورند. شش سال از خواست مردم برای ثبت ششم دیماه به عنوان روز سمنان می‌گذرد و امروز انتخاب یک روز برای مرکز استانها تکلیف شده است و سمنان تنها استانی است که تاکنون انتخابی نداشته است؟؟ اگرشش سال پیش پیشگام نبودیم حداقل چون امروز آخرین نبودیم. چرا انرژی و توان ما صرف مجاب کردن خودمان می‌شود. در طول‌این شش سال کلامی‌که شنیدیم صبر کنید ببنیم چه می‌شود. خوب است که همه مشارکت کنند ولی باید نحوه مشارکت سازنده را بیاموزیم. دراین شش سال ده‌ها پیشنهاد ناندیشیده شنیدیم. پیشنهاداتی که زودتر از پیشنهاد دهنده فراموش شد. بجای تلاش برای عقیم گذاردن‌ایده دیگران بیاموزیم که اگر یار شاطر نیستیم بار خاطر نباشیم.

سمنان را در یک جمله تعریف کنید؟

سخن گویم از شهر عشق و شهرایثار
ز دژهای سارو
ز پیر علمدار
کویر تشنه و خاک تبدار
ز تاغ و گونهای کومش
زبانها و گویش
از آن باده نوشان معنی
حکیم الهی
رفعت و پیر فانی
که سمنان و ارگ و مسجد باشکوهش
همه موجبات سربلندیست
بود نور چشمم تا که باقیست.

برجسته ترین ویژگی سمنان در جذب توریست را چه می‌دانید؟

شهر سمنان ویژگیهای بسیاری دارد از ابنیه ارزشمند تا فرهنگ غنی ولی آنچه که موجب معرفی بهتراین شهر و منطقه می‌شود تفاوتهای اقلیمی‌و فرهنگی در فاصله بسیار نزدیک است که آن را خاص و ویژه نموده است. از کویر تا جنگل از کوه تا دشت.

مسئولان چه همکاری را باید داشته باشند تا سمنان به عنوان یک مقصد و نه معبر معرفی گردد؟

عنوان مقصد و معبر به نظرم بازی با کلمات است مهم‌این است که از فرصتها چه استفاده‌ای می‌کنیم. قرارگیری در کنار راه ابریشم فرصتی بسیار مناسبی بوده و یقینا پیشینیان ما خود را مشغول واژه‌های معبر و مقصد نمی‌کردند. شهرهای‌ایرانی بندرگاههایی بودند در داخل سرزمین که کاروانیان را جذب و از فرصت‌ایجاد شده بهره می‌بردند. تکرار اصطلاح باغ شهرسمنان منجر به غفلت از نقش تاریخی شهر شده است. سمنان شهر بازار بوده و همین غفلت و تکرار مطالب نادرست منجر به جهت گیرهای اشتباه شده است. باید پرسید هدف از جذب گردشگر چیست آنگاه برنامه‌ها و راهکارها رخ نمایان می‌کند. هنگامی‌که خرسندیم دانشگاه‌های شهر ما کنار جاده‌های مواصلاتی قرار گرفته واینکه دانشجو به راحتی بدون آنکه به شهر وارد شود با اتوبوس به شهر خود بازمی‌گردد را نکته‌ای مثبت می‌دانیم یعنی تا فهم گردشگر و گردشگری بسیار فاصله داریم.

بزرگترین ضعف‌این خطه در جذب توریست و شناسایی سمنان را در چه می‌دانید؟

وقتی به تردد در محور تهران-مشهد توجه کنیم و حجم مسافران عبوری را مد نظر قرار دهیم در می‌یابیم گردشگر هست ولی چگونگی استفاده ازاین فرصت و تبدیل آن را به ثروت نمی‌دانیم. هنگامی‌که ازاین میزان مسافر و تردد بهره برداری لازم را انجام نمی‌دهیم صحبت از مقصد گردشگری به ظن من به رویا شباهت دارد. در همین روز سمنان ببینید چقدر سنگ اندازی صورت می‌پذیرد بیشتر از سوی افرادی که به ظاهر علاقمند به توسعه شهر هستند. حتی زحمت استفاده از تجربه سایر شهرها به خود نمی‌دهند، شاخصهایی برای شناخت و تمییز روز شهر تعریف نمی‌کنند وبر نظر خود اصرار می‌ورزند!! شهر را از داشتن یک روز جهت معرفی توانمندهای خود ناکام میگذارند چگونه تعامل خواهند داشت و حضور گردشگر را پذیرا خواهند بود؟ به نظرم امروز گردشگری بیشتر لغلغه زبان همگان شده است بیشتر از آنانکه به تبعات آن و تمام جوانب آن توجه داشته باشند

نگاه به فردای استان در صعود سرنوشت!

روح‌الله ساعدی

تاریخ هر منطقه‌ای، فراز و نشیب‌های فراوان دارد. فراز و نشیب‌هایی که گاهی به نفع منطقه رقم می‌خورند و گاهی به ضررش. اما همیشه‌این فراز و نشیب‌ها، به خط تعادلی می‌رسند که روی‌این خط، سالها آرامش و طمأنینه برقرار است. مردمان هوشمند و فرصت شناس، مردمانی هستند که ازاین حد تعادل‌ها و خط‌های ثبات و آرامش، به بهترین نحوش استفاده می‌کنند. استان سمنان هم ازاین فراز و نشیب‌ها فراوان داشته است. از ابتدای ماجرای تاسیس آن گرفته تا تخصیص امکانات، تا تقسیمات کشوری، تا انتصاب‌های مهم، تا سفرهای مسئولین، و تا صدها موضوع مهم دیگر، همگی، جزئی ازاین فراز و نشیب‌های استان سمنان بوده اند.

اگر حالا از من بپرسند که استان در فراز خودش قرار دارد یا در فرودش، علیرغم همه ی تنگناها و مشکلات و کاستی‌ها و نگرانی‌ها و انتظارات و مطالبات، اما اعتقاد من‌این است که از یک فرود غم انگیز چند ساله خارج شده‌ایم و چندسالیست آرام آرام، به کوهپایه‌های یک فراز نزدیک شده‌ایم، در دامنه ی‌این کوهپایه‌ایستاده‌ایم و با نگاهی به تجربه‌های گذشته، خودمان را برای یک صعود نرم و آرام به سمت قله آماده می‌کنیم. اگر بپرسید که صعود را آغاز کرده‌ایم؟ قطعاً می‌گویم خیر!!

هنوز شروع نکرده‌ایم. ما هنوز در دامنه و حتی کوهپایه قرار داریم. «قله»، توسعه همه جانبه استان است و« مسیر»، برنامه‌ها، تجربه‌ها، دستاوردها، حرکت‌ها، تصمیم‌ها و عملکردهای ما هستند. همه ی‌اینها را که به کناری بگذاریم، قبل از هر چیز و حتی قبل از مهیا کردن بار سفر برای‌این صعود سرنوشت، نیازمند مجهز شدن به نگاه به فردا هستیم. نگاه ما به فردا، نقشه ی راه حرکت ما دراین مسیر سخت برای فتح قله ی توسعه همه جانبه در استان است.

این نگاه، به شدت مهم و نوع‌این نگاه بدون تردید در چگونگی، مدت زمان و کیفیت رسیدن ما به قله، اثرگذار است. نوع نگاه ما به فردا، تضمین کننده ماهیت اصلی حرکت‌های توسعه محور در استان ماست.این نگاه به ما نشان می‌دهد که؛ از فردا چه می‌خواهیم؟ فردا را برای چه کسانی می‌خواهیم؟ فردا را چگونه می‌خواهیم؟ فردای استان و مردمش را در نگاههای منطقه‌ای منحصر می‌کنیم یا به آن بسط بیشتری می‌دهیم و آن را فرا منطقه‌ای و حتی ملی می‌بینیم؟ نخبگان، صاحب نظران، و اهل دغدغه را دراین فردا می‌بینیم؟ امکانات، ظرفیت‌ها، پتانسیل‌های پیدا و پنهان منطقه‌ای را در قاموس فردای استان می‌بینیم یا آن را در بسته‌های کوچک دیروزی، محکوم به فراموشی و ساختنی از سرِ نو می‌دانیم؟ فردا را برای خودمان می‌خواهیم یا برای فرزندانمان؟ فردای استان را در چارچوب برنامه‌های راهبردی می‌بینیم یا در ذهن‌های انحصارگرای بدون قالب‌های اثرگذار؟ برای

فردا، تفوق و اتحاد را بیشتر اثرگذار می‌دانیم یا تک روی و جزیره‌ای کار کردن را؟ آیا برای فردا اختلاف‌ها را فرصتِ رویش می‌دانیم یا تهدیدی از جنس سکون و عقب گرد؟ آیا فردا را از پنجره ی یک استان منزوی می‌بینیم یا از پنجره ی یک استان دارای تعامل بالا با همه ی ظرفیت‌های ملی و فراملی در چارچوب‌های تعریف شده و قانونی؟ آیا فردا را جزئی از امروز و دیروز استان سمنان می‌دانیم یا معتقد به نقطه‌های «فصلِ» تاریخیم و ترجیح می‌دهیم از نقطه‌های جدید شروع کنیم؟ آیا به فردا امیدواریم و برای رسیدن به‌این امید، تلاش می‌کنیم یا نه، از فردای استان نا امیدیم و هر تلاشی را محکوم به رکود و نخوت و شکست می‌دانیم؟ آیا مدیران را در قاموس فردا، صرفاً ابزارها و مجاری توسعه می‌دانیم یا نگاه ما به آنها، نگاه کشاورزیست که با تخصص، دانه می‌کارد و هرمدیری، وظیفه مند، ازاین دانه‌ها، جوانه‌ها و نهال‌ها و درخت‌ها، بار و میوه و ثمر می‌آورد؟ آیا فردا را متعلق به مردم می‌دانیم یا به طیفهایی که هم اکنون هم به دنبال منفعت‌های خاص هستند؟ آیا فردا را بالای سرمان می‌بینیم یا زیر پایمان؟ آیا فردا را مجموعه‌ای از تلاش‌های همه جانبه برای رسیدن به یک توسعه همه جانبه می‌دانیم یا فرایندی که چه بخواهیم و چه نخواهیم، پیش می‌رود و به جایی می‌رسد؟ آیا فردا را شکستن غرور منطقه‌ای و رویش جوانه‌های همدلی و استفاده از تجربه‌های یکدیگر می‌دانیم یا حرکت‌های جداجدا در بافت‌های توسعه‌ای استان؟

خلاصه‌اینکه شاه کلید همه ی موفقیت‌های ما، نوع نگاه ما به فرداست. کمی‌بیندیشیم، کمی‌مسئولین و مدیران عزیز استان، تلاش برای اندیشیدنِ مردم و نخبگان استان به فردا را در دستورِ کار قرار دهند. تجربه ی بسیار اندک و ناچیز من می‌گوید؛ ما در استان، نیازمند «تغییرِ» جدی نوع نگاه مان به فردا هستیم، و به شما قول می‌دهم تااین جراحی مهم و کمی‌دردآور را از درون استان و درون فکرهای خودمان به نفع استان شروع نکنیم، تا دهها سال، باز هم در همین کوهپایه‌ایستاده خواهیم بود و برای فتح قله ی توسعه، به آرزوی یک صعود خوب به قله سرنوشت، بسنده خواهیم کرد.